

پنجشنبه • ۲۴ بهمن ۱۳۹۲ • سال یازدهم • شماره ۱۹۵۲ • ۷

روزنامه شرق	
جهان علم	
حال و آینده سلطان در ایران	صفحه ۸
دانشگاه یک کتابخانه بزرگ نیست	صفحه ۹
چوب حراج به دانشکده ارتباطات	صفحه ۱۰

کهنما

سوچی؛ از نسل کشی تا سگ کشی

اهمیت ژئوپلتیک المپیک پوتین چیست؟



حمیدرضا آریان پور

آبخازیا به کار گرفته شده است؟ انتظار برای آغاز المپیک جناحی سوچی چند روزی، دیگر اخبار جهان را کهنماز کرد در حالی که چند محاصره شده در حصص سوریه به توافق انجام‌شده رهایی یافته‌اند، بحران اوکراین به فحش دادن رسیده و بوسنی بدترین روزهای پس از جنگ را می‌گذراند، گشایش رسمی بیست‌و‌دومین المپیک زمستانی که پرهزینه‌ترین المپیک تاریخ- زمستانی و تابستانی- هم هست اکنون توجه‌ها شده است، اما خود سوچی نیز داستان‌های آشکار و نهان بسیار دارد. المپیک سوچی در ادامه اشتیاق پوتین برای خودنمایی است. این آشکار است و نیاز به توضیح ندارد. این رویداد ورزشی مانند هرچیز دیگری در روسیه گرفتار فساد است. به قول گری کاسپاروف، استاد تمام‌شترنج سر از حساب‌های بانکی در سوییس و بازار مسکن لندن درآورد: «سوم اینکه المپیک سوچی نماد دیگری از ناکارآمدی دستگاه‌های دولتی شده. هتل‌های ناتمام با بدون امکانات و با برق ناپایدار و آب سمی تنها بخشی از این عملکرد دیوان‌سالارانه‌اند. وضعیت حقوقی‌شسر و آزادی بیان هم که تنها دو هفته کمی بهتر خواهد بود و این را هم همه می‌دانند و تهدیدهای امنیتی که به فروش‌زفتن بلیت‌ها کمک کرده‌اند، جنجال‌شروع‌رود دیگری برای روسیه پوتین، برای روسیه ورزش‌های زمستانی. در این میان اما خود المپیک سوچی که بر داستان‌های دیگری سایه انداخته، داستان‌های کم‌نماتری هم دارد که کمتر مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته‌اند. انتخاب سوچی پیش از هر چیزی جامعه سرکیسی‌ها را آزرده است. بر اساس کتاب «نسل کشی سرکیسیان» نوشته‌والتر ریچموند، سوچی محل نخستین نسل کشی اروپای مدرن است. جاشوا کیتینگ، نویسنده اسلیت می‌نویسد سر کیسی‌ها که زمانی نژاد غالب قفقازشمالی بودند و عمدتا مسلمان سنی هستند، با امپراتوری سزارهای روس و پاشاهای عثمان درگیر بودند تا به جنگ‌های کریمه و قفقاز رسیدند. در نهایت حدود ۲۵هزار سرکیسی مردند و حدود ۷۰۰هزارتن از روسیه تزاری اخراج شدند. با تعارف حقوقی امروزی سوچی شاهد نسل‌کشی و پاکسازی نژادی بوده است. سرکیسی‌های مانده یا بازگشته در دوران شوروی هم سر کوب می شدند و هنوز هم در روسیه جدید و با بازگشت شمار بیشتری از آنها از کشورهای مختلف به منطقه اجنادی، وضعیت بهسانی ندارند. تقریبا تمام کشور‌ها دارای این اقلیت آنها را زیر فشارهای گوناگون گذاشته‌اند و حالا المپیک بار دیگر این داستان را یادآوری می‌کند. مسایل استراتژیک مهم‌تری هم ولی در سوچی وجود دارند. المپیک پوتین به نوعی برای گسترش کنترل مسکو بر منطقه تحت اشغال آبخازیا مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. گرجستان، همسایه کوچک توالی داستان را یادآوری می‌کند. مسایل استراتژیک مهم‌تری هم ولی در سوچی وجود دارند. المپیک پوتین به نوعی برای گسترش کنترل مسکو بر منطقه تحت اشغال آبخازیا مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. گرجستان، همسایه کوچک توالی داستان را یادآوری می‌کند. مسایل استراتژیک مهم‌تری هم ولی در سوچی وجود دارند. المپیک پوتین به نوعی برای گسترش کنترل مسکو بر منطقه تحت اشغال آبخازیا مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. گرجستان، همسایه کوچک توالی

صدهاگه ولگردی است که با بی‌رحمی قربانی المپیک شده‌اند.

گل آلود شدن روابط کابل – واشنگتن

مجتبی سپهری‌والا



عکس: Reuters

کرده و سعی کردند از خودمختاری برخی از نیروهای القاعده و طالبان جلوگیری کنند تا طالبان افغانستان و طالبان پاکستان که از یکدیگر فاصله گرفته بودند، دوباره در یک جهت شناخته شوند تا از حیطة نظارت غربی‌ها بیرون نروند. در پی این مساله، آزادی «عدالتی برادر»، یکی از سران طالبان از زندان پاکستان باعث شد طالبان مذاکرات را با کزرای درباره شرایط صلح و امنیت در افغانستان پی بگیرند اما تاکید کردند که فقط با دولت‌های افغانستان و پاکستان مذاکره می‌کنند و نه با دولت آمریکا.

چندی پیش ژنرال ظاهر عظیم، از مقامات وزارت دفاع افغانستان در یک کنفرانس خبری در کابل اظهار کرد طالبان برای تصرف دولت افغانستان پس از خروج ناتو در سال ۲۰۱۴ آماده می‌شوند و طبق اطلاعات موجود، هزاران نفر از نیروهای طالبان که در مدارس مذهبی پاکستان تحصیل کرده‌اند، در حال حاضر در افغانستان به سر می‌برند تا با خروج نیروهای ناتو از کشور و جایگزینی قوای افغان به جای آنها، عملیات تروریستی خود را آغاز کنند و این در حالی است که مقامات نظامی و امنیتی افغان مطمئن هستند که نیروهای شورشی توان ساقط کردن دولت مرکزی را ندارند. حکومت افغانستان به علت وقوع انفجار در یک رستوران لبنانی در محله دیپلمات‌نشین کابل، این شک و تردید را به‌وجود آورده است که آیا توان برقراری امنیت را در کشور دارد؟ آیا بدون کمک خارجی توانایی مقابله با تروریستها را دارد؟ این در حالی است که در شرایط فعلی احتمال قطع همکاری‌های امنیتی و نیز کمک‌های مالی و غیرنظامی برای افغانستان که در کنگره آمریکا در حال بررسی است، وجود دارد. در کنار این مسایل، احتمال سوءقصد به جان حامد کزای به‌دست عناصر تندروی طالبان یا افراد گروه‌هایی که معتقدند وی هم‌دست طالبان و عامل بازگشت آنها به قدرت در افغانستان است، وجود دارد. با کشته‌شدن اسامه بن لادن و همچنین حکیم‌الله محسود به‌دست نیروهای آمریکایی، بسیار بعید به‌نظر می‌رسد که ملا عمر، رهبر گروه طالبان و دیگر سران اصلی طالبان از مخفیگاه خود در منطقه قبایلی‌نشین پاکستان خارج شوند بلکه آنها نمایندگان را برای مذاکره با دولت‌های افغانستان و پاکستان تعیین می‌کنند. برخی از آنها معتقدند تمام این ماجرا یک طرح و توطئه مشترک کابل و کاخ سفید است تا آنها را فریب دهند و به صحنه سیاسی افغانستان یکشاندن و سپس در فرصت مناسب ضرب‌های کاری به این گروه وارد کنند. سرکردگان طالبان شرط خود را برای مذاکره با کزای، عدم امضای پیمان امنیتی با آمریکا اعلام کرده‌اند و سعی دارند با اتلاف وقت، مانع از امضای این قرارداد توسط کزای شده و باعث خروج ناتو از افغانستان شوند چراکه عدم امضای پیمان‌نامه امنیتی بین کابل و واشنگتن را به‌نفع خود می‌دانند. طالبان در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۹ در افغانستان شرکت نکرده بود و چندی پیش نیز ملاعمر در پیامی به مناسبت پایان ماه رمضان از مردم افغانستان خواست در انتخابات سال ۲۰۱۴ شرکت نکنند چراکه به عقیده وی، این انتخابات بی‌پهوه و نامشای است. اصولا طالبان قانون اساسی نوین افغانستان را که در سال ۲۰۰۴ تصویب شده است، قبول ندارد. سرخستی طالبان فقط باعث توجیه حضور نیروهای خارجی و مشروعیت‌بخشیدن به این حضور در کشور خواهد شد که قاعدتا آنها مدعی مخالفت با حضور نیروهای بیگانه هستند اما در عمل، عامل حضور و ماندن این نیروها شده‌اند. احتمالا دولت جدید نیز با میانجیگری حامد کزای همچنان

قدم‌هایی به‌سوی برقراری حکومت شریعت در پاکستان

منحصرا به وقوع پیوست. این حملات در حالی صورت گرفت که دولت پاکستان وعده گفت‌وگو باافراطیون طالبان پاکستانی را برای پایان‌دادن خشونت‌ها در این کشور داده بود و حملات انتحاری که با حمله به شبکه تلویزیونی آغاز شد، دقیقا بعد از سخنرانی نماینده طالبان مبنی بر تمایل این گروه به مذاکره با نیروهای دولتی با پیش‌شرط اجرای قانون شریعت در این کشور اتفاق افتاد. چنین حملاتی باعث دودستگی برای اظهارات مردم پاکستان شده است: در حالی که عدای از ناکارآمدی دولت جهت مقابله باافراطیون و طالبان به‌شدت ناراضی هستند، عده دیگر از مردان و زنان جوان در گفت‌وگو بانویسنده پاکستانی عایشه صدیقا در مرکز شهر بخش شمالی شهر پنجاب گفته‌اند از وقوع چنین حملات انتحاری متأسف نیستند و از مواضع نیروهای طالبان طرفداری می‌کنند و دلیل این طرفداری را اینگونه توضیح می‌دهند که ممانعتی برای اجرای قانون شریعت طالبانی در کشور نمی‌بینند و اگر تنها راهی که طالبان می‌تواند دولت را وادار به اجرای قانون شریعت در کشور کند چنین حملاتی است، دلیلی برای مخالفت با آن نمی‌بینند.

اما اینکه حمله به شمال وزیرستان که از مقرهای اصلی طالبان است، چقدر به حل مشکلات بین دولت پاکستان و نیروهای افراطی طالبان کمک خواهد کرد، خود جای بحث دارد. به‌نظر می‌رسد در چنین شرایطی سه مشکل اساسی بر سر راه مقابله دولت پاکستان با افراطیون طالبان وجود دارد؛ اول اینکه در بین احزاب دولتی اجماع کافی برای مذاکره با طالبان وجود ندارد و در حالی که احزاب جناح راست این کشور و گروه‌های وابسته به آن طرفدار گفت‌وگو با طالبان هستند، احزاب دیگری چون احزاب طرفدار پی‌نظیر بوتو، حزب جنبش متحد قومی و حزب ملی عوام تمایلی به انجام این گفت‌وگوها ندارند. دومین مانع این است که حتی بر فرض اینکه احزاب دولتی برای گفت‌وگو با طالبان به توافق برسند، روشن نیست که دولت بر سر چه مسایلی با طالبان گفت‌وگو خواهد کرد، آیا این گفت‌وگو درباره اجرای قانون شریعت در کشور خواهد

عایشه صدیقا نویسنده پاکستانی مقالات مربوط به امور

نظامی پاکستان می‌گوید چندی پیش تماسی فوری از دفتر سردبیری واقع در کراچی داشته است مبنی بر اینکه از نوشتن هرگونه مطالبی که مربوط به طالبان پاکستان یا هر گروه جنگ‌طلب دیگر و گروه‌هایی‌هایی به‌نام مذهب آنها و حتی بازیکنان ریکتی که در گردهمایی‌های مربوط به طالبان پاکستان شرکت کرده‌اند است، اکیداً خودداری کنیم. همچنین در هیچ بخشی از مقاله‌های دیگرم به نام گروه طالبان پاکستان و دیگر نهادهای وابسته به آن اشاره نکنم. این تماس و مطالبی که به نویسنده پاکستانی تذکر داده شده است در پی حمله به یک خودرو حامل اصحاب رسانه بوده که در پی آن سفتر کشته و چهار نفر دیگر زخمی شده‌اند. در پی این حمله گروه طالبان پاکستان به‌سرعت مسوولیت آن را پذیرفت و سخنگوی نظامی آن احسان‌الله احسان در برنامه‌ای تلویزیونی حاضر شده و به اصحاب رسانه درباره پوشش خبری ناعناسب درباره این گروه هشدار داد. در پی این هشدار مدیر بخش رسانه‌های این کشور جواد چوهری وعده داد بعد از این پوشش خبری مناسبی درباره این گروه و شبه‌نظامیان آن خواهد داشت. علاوه بر این احسان‌الله احسان سخنگوی طالبان مدعی شد این حمله به‌جز همدار به اصحاب رسانه هدف دیگری نیز داشته و آن تلاش برای وادار کردن دولت پاکستان برای عمل به وعده‌هایش در مورد اجرای قانون شریعت موردقبول این گروه در سرتاسر پاکستان بوده است. این در حالی است که یک روز بعد در ۱۹ ژانویه ۲۰سرباز پلیس مرزی در یک حمله انتحاری در اردوگاهی به‌نام بلوآر استان‌های شمالی خیبر پختونخوا پاکستان کشته و ۲۰ نفر دیگر نیز زخمی شدند که به دنبال این حمله مجسدا در روز ۲۰ژانویه حمله دیگری به اردوگاه راولپندی در نزدیکی مقر ارتش پاکستان به وقوع پیوست که در پی آن ۳۳ نفر کشته و ۶۲ نفر زخمی شدند. این تعداد قربانیان و حملات بدون در نظر گرفتن حمله‌هایی است که در ۲۱ژانویه به تیم بهماران تزریق واکسن در شهرهای چون پنجاب و کراچی و